

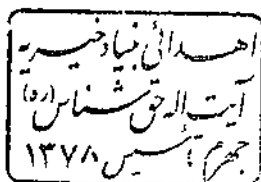
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر سوره‌ی مبارک‌ی انشراح

جلوه گر گوشه‌ای از شخصیت با عظمت

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم

سکراته جهان مبین



جهان مهین، شکرالله
تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی انشراح/ شکرالله جهان مهین
تهران: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
ص ۱۴۴
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۰۷۴۷-۰
ISBN: 978-964-10-0747-0
بها: ۳۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا
(تفاسیر) (سوره‌ی انشراح) ۲. تفاسیر ششمه - قرن ۱۴
عنوان:
ت ۹ ج ۱۰۲/۹۶۴/ BP ۲۹۷/۱۸
۱۳۹۰

شورای انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم

۱. دکتر مجید فلاح زاده: رئیس شورای انتشارات واحد
۲. دکتر اصغر نیک سرشت: معاون آموزشی واحد
۳. دکتر عبدالحسین ابوطالبی: عضو شورای انتشارات واحد
۴. دکتر حیدرعلی میمنه: عضو شورای انتشارات واحد
۵. دکتر حمید صادقی: عضو شورای انتشارات واحد
۶. محمدرضا جاذبی زاده: دبیر شورای انتشارات واحد



سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

- نام کتاب: تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی انشراح
- مؤلف: شکرالله جهان مهین
- چاپ اول: پاییز ۱۳۹۰
- شمارگان: ۱۰۰۰
- بها: ۳۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۰۷۴۷-۰

کلیه حقوق محفوظ است

جهرم/ صندوق پستی ۷۴۱۳۵/۳۵۵: تلفن: ۰۷۴۷-۳۳۳۷۰۱۲/۴۴۷۷۰۱۹: فکس: ۳۳۳۱۰۱۹

ترجمه ی سوره ی مبارک کی انشراح (گشودن)

به نام خداوند بخشاينده ی بخشايشگر

١. (ای پیامبر) آیا ما سینه ی تو را گشاده نساختم؟
٢. و بار سنگین اندوه را از تو برنداشتیم؟
٣. همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می کرد. (باری که کمر شکن بود).
٤. و نام و آوازه ی تو را بلند کردیم. (شهره ی آفاق کردیم).
٥. پس به یقین (با لطف خدا) با هر سختی آسانی است.
٦. (آری) مسلماً با هر سختی آسانی است.
٧. پس هنگامی که از کار مهملی فارغ می شوی به مهم دیگری پرداز.
٨. و با اشتیاق به سوی پروردگارت (بکسره) رو آور.

ترجمه ی منظوم سوره ی مبارک کی انشراح

سرآغاز گفتار نام خداست

که رحمتگر و مهربان خلق راست

نه آیا تو را سینه بگشوده ایم	ز زنگارها حمله پالوده ایم
بکردیم دور از تو باری گران	تو گوئی که بشکست پشت از آن
نمودیم نامت بلند و نکو	به رغم سخنها ی خام عدو
همانا پس از سختی آسایشی است	پس از محنت و رنج آراشی است
چو فارغ شدی ای خداوند هوش	کنون در مناجات و طاعات کوش
تو می باش مشتاق پروردگار	میندیش از مردم نابکار ^١

فهرست

۵	سورة الانشراح
۶	ترجمه‌ی سوردهی مبارکدهی انشراح (گشودن)
۶	ترجمه‌ی منظوم سوردهی مبارکدهی انشراح
۷	فهرست
۱۱	پیش در آمد
۱۳	زندگی نامه‌ی مؤلف
۱۳	تدریس
۱۴	تألیفات
۱۴	مقالات
۱۷	مقدمه مؤلف
۲۱	تقریظ
۲۳	پیشگفتار تفسیر
۲۵	تفسیر
۲۵	تفسیر قرآن
۲۶	نیازمندی قرآن به تفسیر
۲۹	مفسران قرآن کریم
۲۹	۱. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم
۳۰	۲. امامان معصوم علیهم السلام
۳۳	۳. مفسرین غیر معصوم
۳۵	تفسیر صحیح و تفسیر به رأی
۳۶	اقسام تفسیر
۳۶	الف) تفسیر ترتیبی
۳۷	ب) تفسیر موضوعی
۳۷	روش‌های تفسیری
۳۷	۱. روش تفسیر نقلی یا روایی
۳۷	۲. روش تفسیر اجتهادی (عقلی)
۳۸	۳. روش تفسیر قرآن با قرآن
۴۱	علامه طباطبایی و تفسیر قرآن با قرآن

۴۵	ویژگی‌ها و شناخت کلی از سوره ی مبارکه ی انشراح
۴۷	الف: مکی یا مدنی
۴۷	ب: تعداد آیات
۴۸	د: ارتباط سوره ی مبارکه ی «انشراح» با سوره ی قبل «الضحی»
۴۹	ه: دو سوره به منزله ی یک سوره در نماز
۵۱	نکاتی پیرامون اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
۵۳	شرح لغات
۵۵	هشدار و عبت گیری
۵۷	تفسیر آیات سوره ی مبارکه ی انشراح
۵۹	بسم الله الرحمن الرحیم
۵۹	شرح لغات
۶۱	ده نکته پیرامون بسم الله الرحمن الرحیم
۶۳	آیه ی اول
۶۵	شرح لغات
۶۶	تفسیر آیه ی اول
۶۷	تَمَثَّل
۶۹	اختلاف اقوال
۷۰	نظر نه نفر از بزرگان
۷۰	الف: اهل سنت
۷۱	ب: امامیه
۷۵	همخوانی معانی صدر، قواد، قلب با نفس و روح
۷۵	قلب
۷۷	قواد
۷۸	صدر
۷۹	عوامل شرح صدر و قساوت قلب
۸۲	اثر هدایت پاداشی در شرح صدر
۸۳	نمونه های برگرفته شده از عوامل شرح صدر و قساوت قلب از روایات معصومین
۸۳	الف: عوامل شرح صدر
۸۴	ب: عوامل ضیق صدر و قساوت قلب
۸۵	آیه ی دوم
۸۷	شرح لغات
۸۸	تفسیر آیه ی دوم
۹۱	آیه ی سوم
۹۳	شرح لغات
۹۴	تفسیر آیه ی سوم
۹۵	آیه ی چهارم
۹۷	شرح لغات
۹۸	تفسیر آیه ی چهارم
۹۸	حدیث نبوی و شعر حسان بن ثابت
۹۹	نکته های لطیف
۱۰۰	اشکال

۱۰۰	پاسخ
۱۰۰	کلام ابن ابی الحدید و ارتباط آن با آیه
۱۰۳	آیهی پنجم
۱۰۵	شرح لغات
۱۰۶	تفسیر آیهی پنجم
۱۰۹	آیهی ششم
۱۱۱	شرح لغات
۱۱۲	تفسیر آیهی ششم
۱۱۳	قاعدهی ادبی
۱۱۵	نکتهای حالب
۱۱۷	آیهی هفتم
۱۱۹	شرح لغات
۱۲۰	تفسیر آیهی هفتم
۱۲۱	آیهی هشتم
۱۲۳	شرح لغات
۱۲۴	تفسیر آیهی هشتم
۱۲۴	ذکر مصادیقی از آیهی هشتم
۱۲۵	ولایت: مصداق اعلای تفسیر آیه
۱۲۵	حدیثی از اصول کافی
۱۲۶	روایت تفسیر برهان
۱۲۸	بیان تفسیر صافی
۱۲۸	بیان تاویل الآیات الظاهره
۱۲۹	بیان تفسیر نمونه
۱۳۱	پیام کلی سورهی مبارکهی انشراح
۱۳۳	پیوستها
۱۳۵	ترجمهی سورهی مبارکهی انشراح به زبان شعر
۱۳۶	ترجمهی سورهی مبارکهی انشراح به زبان انگلیسی
۱۳۷	منابع
۱۳۷	(مؤلف و مؤلف)

www.ketab.ir

پیش درآمد

زندگی نامه‌ی مؤلف

شکر الله جهان مہین در سال ۱۳۱۹ در شهر جهرم متولد شد و تحصیلات دبستانی و چهار سال اول دبیرستان و مقدمات دروس حوزوی را در مدرسه علمیه زمانیه (خان) جهرم فرا گرفت. و از سال ۱۳۴۰ در حوزه علمیه رضویه قم سکنی گزید و در سال آخر دبیرستان و نیز دروس حوزوی را تا پایان دوره‌ی سطح در قم گذراند و به سال ۱۳۴۹ در رشته فلسفه و در مقطع کارشناسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و بعد از انقلاب در رشته علوم قرآن و حدیث دوره کارشناسی ارشد را به پایان رسانید.

تدریس

او در سال ۱۳۵۱ تدریس علوم دینی را در دانشسرای راهنمایی تحصیلات فوق دیپلم اهواز شروع نمود و بعد از انقلاب به مدت پانزده سال در مرکز تربیت معلم جهرم در مقطع فوق دیپلم تدریس تفسیر، اخلاق، کلام و عرفان و معارف اسلامی را برعهده داشت و از سال ۱۳۶۵ تاکنون در دانشگاه‌های جهرم: علوم پزشکی، پیام نور، آزاد اسلامی، مجتمع آموزش عالی و آموزش عالی غیرانتفاعی اندیشه به تدریس دروس معارف اسلامی اشتغال دارد و از

سال ۱۳۷۵ تا به حال عضو هیأت علمی و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم می باشد.

تألیفات

وی مؤلف ۱۴ کتاب چاپ شده است که اهم آنها عبارتند از: گمشده همگان (در سن ۲۵ سالگی)، عدل و حکمت بالغه الهی، سیمای محمد در نهج البلاغه، برداشتی از قرآن مجید، اقتصاد سالم و پرتوان و پیروز، ویژگی هائی از قرآن مجید، تربیت و اخلاق (کتاب نمونه سال ۱۳۷۰ در استان فارس) قرآن از دیدگاه نهج البلاغه، اخلاق اسلامی و تفسیر سوره الضحی که سه کتاب اخیر طبق مقررات توسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم به چاپ رسیده و به عنوان کتاب درسی و کمک درسی از آنها استفاده می گردد.

مقالات

قریب سی مقاله از ایشان در مجلات علمی پژوهشی، ترویجی به چاپ رسیده است. و نامبرده ده ها سخنرانی در مجامع علمی و همایش های ملی، منطقه ای، شهرستانی ایراده نموده که از جمله می توان به ارائه مقاله به صورت سخنرانی در نخستین کنگره بین المللی نهضت تولید علم، جنبش نرم افزاری و آزاد اندیشی در فروردین ۱۳۸۴ که از سوی سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، در ساختمان اجلاس سران در تهران برگزار شد. و همچنین ایراد سخنرانی در بزرگداشت یکصدمین سال تولد

حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی در فروردین ۱۳۸۸ در سالن همایش‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی اشاره کرد.

در ضمن وی از عموم مراجع عظام تقلید نمایندگی اخذ وجوهات و امور حسبه و نیز اجازه‌نامه روائی دارد و اضافه می‌شود که ایشان در کنار تدریس و پژوهش و تالیف عهده‌دار مدیریت بنیاد فرهنگی، خیریه آیت الله حق‌شناس (ره) جهرم می‌باشد.

www.ketaboo.ir

مقدمه مؤلف

باسمه تعالی

قرآن کریم چون اقیانوس بی کران و بسیار عمیق و جاویدی است که از علم و حکمت و رحمت بی پایان الهی سرچشمه می گیرد.

کتابی که به فرموده ی خودش، تیان و بیانگر هر چیزی است لذا برای آگاهی از هر چیز از جمله شناخت شخصیت با عظمت و بی نظیر خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله وسلم که اولین مفسر واقعی قرآن می باشد باید به دامن این کتاب مقدس چنگ زد که در این راستا به ده ها آیه از قبیل آیه ی ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱ برخورد می کنیم که خدای منان نبی مکرّم خود را معرفی می کند و یا باز آیاتی را می بینیم که دستورالعمل های تربیتی و وظایف پیامبری را به حضرت می آموزد و باز در این میدان خدای متعال اختصاصاً در دو سوره ی «الضحی» و «انشراح» با برشمردن برخی از نعمت های ظاهری و معنوی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم کرامت فرموده است او را به انجام وظایف مهمی که در استكمال رسالت دخالت دارد فرمان می دهد.

چنان که استاد عالی قدرم حضرت آیت الله دکتر احمد بهشتی دامت برکاته

۱. سوره ی مبارکه ی انبیاء، آیه ی ۱۰۷. ترجمه: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

معتقد است، که: در این میان دو سوره از سوره‌های کوچک قرآن - که در حقیقت یک سوره محسوب می‌شوند - هم به بیان نعمت‌هایی پرداخته‌اند که خدای بزرگ، به پیامبر برگزیده‌ی خود عطا کرده، و هم نمونه‌هایی از تأدیب‌بی‌مانده‌ی الهی را که شامل حال او گردیده بیان کرده‌اند.

آری: دو سوره‌ی «الضحی» و «انشراح» حامل دو پیام و بیانگر دو نظامند هم نظام انعام و هم نظام تأدیب.^۱

باری، خدای متعال را سپاس گو هستم که توفیق عنایت فرمود تا تفسیر سوره‌ی مبارک‌ی «انشراح» را که به مانند سوره‌ی «الضحی» بیانگر نمونه‌هایی از الطاف الهی به پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم است و در حقیقت متمم تفسیر سوره‌ی «الضحی» می‌باشد و کلیات مطالب آن به وقت نگارش و نشر تفسیر سوره‌ی «الضحی» در سال ۱۳۸۶ تهیه شده بود بازبینی و تنظیم و بازنویسی مجدد شد و اکنون به عنوان یکی از منابع و مآخذ درسی تفسیر موضوعی قرآن کریم تقدیم می‌گردد.

از همه بزرگوارانی که در انتشار کتاب عنایتی فرموده‌اند، اساتید گروه معارف اسلامی واحد، رئیس محترم و معاون مکرم دانشگاه که با نوشتن تقریظ، مؤلف را سرافراز فرموده‌اند تشکر شایسته دارم و به ویژه از دو استاد گرانسنگ و بسیار عزیزم حضرت آیت الله حسین شب زنده دار جهرمی و آیت الله علی کریمی جهرمی (دامت برکاتهما) که نظرات و ارشادات آنان ارجی دیگر به محتوای کتاب داده است تشکر صمیمانه و

۱. تفسیر سوره‌ی الضحی، مقدمه آیت الله دکتر احمد بهشتی، صفحه‌ی ۱۳. شایان ذکر است که شرح دو نظام در آن جا ذکر شده است.

فراوان دارم.

در پایان از درگاه خدای منان عاجزانه خواهانم که این اثر و خدمت ناچیز را به مکتب حیات بخش قرآن بپذیرد.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

شکرا لله جهان مهین

مدیر گروه معارف اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم

پاییز ۱۳۹۰



شماره: ۹۸۸۴

تاریخ: ۹۰/۸/۹

دامبرم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریظ

"إِنَّ الْقُرْآنَ طَاهِرُهُ الْبَيِّنُ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَقْنِي عَجَابَتُهُ وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ"

(نهج البلاغه، خطبه ۱۸)

فرهنگ غنی اسلامی که امروزه با کمال خواهی و دانایی را در سراسر گیتی به پرواز در آورده و منادی عدالت حویی و آزادی و مساوات در اقصاد نقاط عالم شده است؛ بر مبنای قرآن کریم و بیان محکم الهی شکل گرفته است. کتاب مقدس و سترگی که در راه سعادت بشر، هیچ نکته‌ای را به باد فراموشی نسپرده و چشم‌انداز تعالی انسان‌ها را از ازل تا ابد رسم نموده است؛ باید‌ها و نبایدهایی که سالک و رونده‌ی راه را در صراط مستقیم قرار می‌دهد و او را از غرقه، در دریای پر اضطراب دنیا و مهلکه‌های مادیات نجات می‌دهد.

قرآن، کتاب انسان‌ساز و هدایت‌گر کسانی است که طالب عشق و ایمان و معنویت هستند.

کسانی که قفس دنیا را منجلاّب مادیات و گوی مناسبی برای چوگان بازی نمی‌بینند زیرا سرانجام آن، خسران و ضلالت و گمراهی است، لذا غور و بررسی و تأمل در قرآن کریم، ما را با حقایق و ظرایف بیشتری آشنا می‌کند که در سیر باطنی و تقرّب به حضرت دوست، می‌تواند نقش والا و مؤثری ایفا نماید.

و پیامبر عظیم الشان اسلام چه زیبا و حکیمانه فرموده‌اند که:

«إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَلِبَاطِنِهِ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ
أَوْ إِلَى سَبْعِينَ بَطْنًا».

قرآن را ظاهری و باطنی است، و باطن آن را باطنی است
تا به هفت بطن بلکه تا هفتاد بطن برسد.

این موضوع واضح است که هنوز ذهن و توان فکری بشر در تشریح و تبیین
باطن اول هم عاجز و درمانده است ولی چه بسا که بتواند در طول زمان بر تمامی
رموز و اسرار قرآن مجید که در واقع اسرار خلقت و آفرینش است؛ دسترسی پیدا
کند و همه آن رموز را کشف و استخراج نماید.

لذا می‌طلبید که دانشمندان و متفکران دینی به تشریح و تفسیر بیش تر این کتاب
جامع آسمانی بپردازند تا خود را و دیگران را از معارف گسترده‌ی آن بهره‌مند سازند.
در این راستا اهتمام خالصانه‌ی دانشمند معزز و استاد عالیقدر جناب آقای حاج
شکرالله جهان مهین، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مدیر محترم گروه
معارف اسلامی این دانشگاه، در تفسیر سوره‌ی گران سنگ "انشراح" که پنجمین
اثر دانشگاهی وی می‌باشد و طبق مقررات به چاپ آن اقدام می‌گردد ارج می‌نهم
و از خدمات علمی و فرهنگی ایشان در این عرصه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

باشد که این مجموعه، چراغی را به روی دانشجویان و پژوهندگان و محققان
علوم قرآنی بیفزود و جرقه‌ای باشد برای درک و فهم روز افزون آموزه‌های
قرآنی تا به خواست خدای بزرگ، شاهد جامعه‌ای باشیم که بر منای تعالیم
قرآنی، پرورش یافته باشد.

دکتر بهنام مهرورزنام

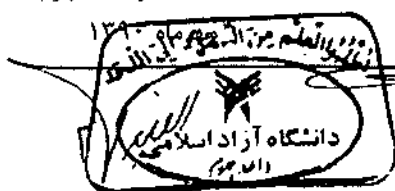
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی

واحد جهرم

دکتر مجید فلاح زاده

معاون پژوهشی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم



www.ketab.ir

پیشگفتار
تفسیر

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

تفسیر

تفسیر مصدر باب تفعیل و از ریشه ثلاثی «فَسَّرَ» و به معنای واضح نمودن، آشکار ساختن، معنای کلامی را بیان داشتن، مقصود و مفهوم سخنی را روشن نمودن و امثال این‌ها می‌باشند. با عنایت به این که معنای مبالغه‌ای نیز در بر دارد.

و کلمه‌ی تفسیر به اعتبار معنای لغویش در آغاز به معنای شرح و توضیح کتاب‌های علمی به کار رفته است. به همین دلیل شرح و بسط آثار گذشتگان همانند آثار ارسطو، افلاطون و امثال این‌ها را تفسیر کلام آنها دانسته اند ولی به تدریج این واژه در فرهنگ اسلامی به شرح آثار دینی به ویژه قرآن کریم اختصاص یافت.^۱

تفسیر قرآن

در تفسیر قرآن مجید نیز همان معنای فوق مورد نظر قرار می‌گیرد، که مفسر گاهی به شرح مفردات الفاظ قرآن می‌پردازد، و گاهی با توضیحات می‌کوشد تا محتوای آیه را روشن نماید. و در هر دو قسمت درصدد بیان مراد کلام خداست که:

«التَّفْسِيرُ وَهُوَ بَيَانُ مَعَانِي الْآيَاتِ الْقُرْآنِيَّةِ وَ
الْكَشْفُ عَنْ مَقَاصِدِهَا وَمَدَالِيلِهَا»^۱

تفسیر یعنی بیان معانی آیات قرآن مجید و کشف مقصود
مضمون آن‌ها.

و باز

«التَّفْسِيرُ هُوَ إِيضَاحُ مُرَادِ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ كِتَابِهِ الْعَزِيزِ»^۲
تفسیر عبارت از توضیح و بیان مراد خدای تبارک و تعالی
از آیات قرآن کریم است.

نیازمندی قرآن به تفسیر

در آیات کریمه قرآن، استعاره، مجاز، کنایه، تشبیه^۳ و نیز کلمات غریب،
اما در نهایت فصاحت و بلاغت و... به فراوانی وجود دارد که هر کدام به
نوبه خود ابهام‌ها و مشکلات خاصی در فهم صحیح آیات به وجود
آورده‌اند. لذا ضرورت دارد تا به جهت رفع ابهام و درک و شناخت مقاصد
آیات، کتاب مقدس قرآن مورد تفسیر قرار گیرد. گذشته از این‌ها، و نیز به
اعتبار وجود آیات متشابه و آیات ناسخ و منسوخ و موضوعاتی چون شأن
نزول آیات، تأویل آیات و...^۴ می‌توان با قاطعیت گفت که نیازمندی قرآن

۱. العیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، صفحه‌ی ۵.

۲. البیان فی تفسیر القرآن، صفحه‌ی ۳۹۷.

۳. تعاریف اصطلاحات ادبی فوق را از کتاب قرآن از دیدگاه نهج البلاغه، صفحه‌ی ۵۴ به قلم نگارنده مطالعه نمایند.

۴. ر. ک: ویژگی‌هایی از قرآن مجید، صفحه‌ی ۴۵.

کریم به تفسیر از هر کتاب دیگر، بیشتر خواهد بود. و یقیناً یکی از موجباتی که در طول تاریخ بر هیچ کتابی به اندازه قرآن مجید شرح و تفسیر نوشته نشده است، همین امر می باشد. بنابراین تفسیر قرآن امری لازم، ضروری و قطعی است و باید هدف و مقصود هر مفسر رفع ابهام و پیچیدگی از الفاظ قرآن و شرح و بیان محتوای آیات باشد.

و می توان گفت برخی از عواملی که زمینه ساز نیازمندی قرآن به تفسیر شده است عبارتند از:

الف: فقدان آگاهی های لازم: فهم قرآن منوط به برخورداری از معلومات مختلفی است که فقدان هر یک، فهم مقصود خداوند از الفاظ عبارات قرآن را دچار ابهام می کند و نیازمندی به تفسیر را ضروری می سازد که برخی از فقدان ها از این قبیل اند:

۱. فقدان آگاهی ها مربوط به مفاد و برخی از واژگان.
۲. ناآگاهی نسبت به ادبیات عرب و نشناختن صحیح ساختار کلمات و جملات و خصوصیات معانی بیان آیات کریمه قرآن.
۳. ناآگاهی از شرائط و اسباب نزول در پاره ای از موارد، معنا و مقصود از آیه را در هاله ای از ابهام فرو می برد.

ب: معارف بسیار زیاد و الفاظ محدود: قرآن تمام معارفی را که بشر برای کسب سعادت به آن نیاز دارد در حجم نسبتاً کمی از الفاظ و عبارات ارائه کرده که فهم آن ها دقت و تأمل و تحقیق می طلبد و همین امر ضرورت تفسیر را می طلبد.

ج: محتوای عالی در کلمات روزمره: آیات پرشماری از قرآن کریم، بیانگر حقایقی از عالم ماوراءالطبیعه و غیر مادی از قبیل عالم ملکوت، عالم فرشتگان، عالم مرگ، عالم قیامت و... هستند ولی با الفاظ روزمره که در بین ما متداول است، اما عدم توانمندی آن کلمات و الفاظ در بیان آن معارف، معرفت و شناخت را نسبت به آن حقیقت‌ها دشوار می‌سازد.

مثلاً وقتی لفظ دیدن، شنیدن و سخن گفتن درباره انسان را به کار می‌بریم همگی، معانی آن‌ها را به خوبی درک می‌کنیم اما زمانی که همین کلمات درباره خدای متعال به کار برده شود فهم آن بسیار دشوار خواهد بود لذا لازم است که این گونه آیات تفسیر و تشریح شوند تا رفع ابهام گردد.

د: آمیختگی و پراکندگی مطالب: این طور نیست که قرآن تمام سخن خود را درباره یک موضوع در یک فصل و یک جا بیان کرده باشد چه بسا در یک صفحه بلکه یک آیه، موضوعات متعدد و متنوعی به میان آمده باشد و این امر ضرورت تفسیر را ایجاب می‌کند تا مفاهیم موضوعات بیان شده در آیات روشن شوند.

ه: فاصله زمانی با نزول قرآن: رشد استعدادها و قوای انسانی بشر در فهم مسائل در امروز نسبت به زمان گذشته قابل مقایسه نیست که این امر خود وسیله‌ای برای روشن تر شدن مفاد بعضی از آیات خواهد بود اما از طرف دیگر فاصله زمانی به زمان نزول وحی و احتمال تغییر مفاهیم کلمات، اختلاف در قرائت بعضی از کلمات که در طول تاریخ رخ داده، اختلاف نظرها که از طرف مفسران دیده می‌شود، تردیدها و تشکیک‌ها که احیاناً از

سوی مغرضان درباره آیات ابراز شده و امثال این‌ها شناخت مفاد واقعی آیات را دشوار ساخته است که ضرورت تفسیر صحیح را می‌طلبد.

و علاوه بر موارد مذکور، مورد دیگری که ضرورت به تفسیر را گوشزد می‌کند سوال‌ها و نیازهای فراوان علمی است که در هر عصر به تناسب، و در عموم زمینه‌ها چه در علوم انسانی و چه تجربی و چه غیره مطرح و هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود اما پاسخ آنها را در قرآن به صراحت نمی‌توان یافت، می‌طلبد که مفسران با توانمندی علمی و معنوی به پاسخ‌گویی آنها اقدام ورزند.^۱ یعنی باید حرکت و تلاشی تحقیقی و ارائه تفسیرهای نوین در بستر زمان همچنان ادامه یابد، چنانکه از مفسر کبیر قرآن علامه طباطبایی نقل شده «حداقل هر ده سال، یک بار بایستی تفسیری نو و همگام با نیازهای عصر، نسبت به قرآن کریم انتشار یابد».^۲

مفسران قرآن کریم

۱. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم

خدای متعال، قرآن کریم را با اوصافی از جمله ﴿تَنزِيلًا لِّعِبَادٍ شَهِيدٍ﴾^۳ (بیانگر هر چیز) وصف می‌فرماید؛ اما در عین حال شناخت جامع و همه جانبه‌ی این کتاب مقدس و درک صحیح مفاهیم آیاتش جز از طریق شرح

۱. ر.ک: روش شناسی قرآن، صفحه‌ی ۳۶.

۲. حقایق پنهان در آیات قرآن، صفحه‌ی ۵.

۳. سوره‌ی مبارکه‌ی نحل، آیه‌ی ۸۹.

و بسط و تفسیر آیات آن امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر قرآن کریم نیازمند به مفسر می باشد که در این صورت یک سوال اساسی مطرح است و آن این است که چه کسی شایستگی تفسیر کردن قرآن را خواهد داشت؟ که خوشبختانه خود قرآن مجید صریحاً به این سوال پاسخ می دهد، آن جا که فرمود:

﴿وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ﴾^۱

و نازل کردیم بر تو ذکر (قرآن) را تا برای مردم آنچه را
بر ایشان فرو فرستاده شده بیان نمایی.

و همچنین از آیاتی که خدای تعالی، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را معلم کتاب (قرآن) و حکمت معرفی می فرماید^۲، مفسر بودن آن حضرت فهمیده می شود. و باز چون دریافت کننده آیات قرآن پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می باشد عقل حکم می کند که باید مفسر اصلی قرآن آن حضرت باشد. بدین ترتیب اولین مفسر قرآن مجید نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می باشد. و کار تفسیر از همان اوان بعثت صورت پذیرفته است.

۲. امامان معصوم علیهم السلام

طبق مفاد حدیث ثقلین که متواتر بین شیعه و سنی است، امامان معصوم علیهم السلام بعد از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم شایستگی و مسئولیت

۱. سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی ۴۴.

۲. سوره ی مبارکه ی بقره، آیه ی ۱۲۹ و ۱۵۱؛ سوره ی مبارکه ی آل عمران، آیه ی ۱۶۴؛ سوره ی مبارکه ی جمعه، آیه ی ۲.

تفسیر قرآن را بر عهده دارند.

در حدیث ثقلین پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:
 «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَانَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ»^۱
 من دو چیز سنگین و گران بها را در بین شما می گذارم،
 کتاب خدا (قرآن) و عترت و اهل بیت و این دو هرگز از
 یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار حوض (در قیامت) به
 من ملحق شوند.

و چون قول و سخن اهل بیت علیهم السلام تالی بلکه عین قول و سخن
 پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می باشد باز اهل بیت علیهم السلام شایسته ترین
 افراد بعد از خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله وسلم هستند که باید قرآن را برای
 مردم تفسیر نمایند. چنانچه هشام بن سالم و حماد بن عثمان و دیگران نقل
 می کنند که امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

«حَدَّثَنِي حَدِيثُ أَبِي وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ حَذَى وَ
 حَدِيثُ حَذَى حَدِيثُ الْحُسَيْنِ وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ
 حَدِيثُ الْحَسَنِ وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ
 امير المؤمنين وَ حَدِيثُ امير المؤمنين عليه السلام
 حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

۱. مناقب اهل البيت، جلد ۱۳، صفحه ۲۰۰؛ مستند احمد، جلد ۳، صفحه ۱۴ و جلد ۴، صفحه ۳۶۶؛ المستدرک
 على الصحيحين، جلد ۳، صفحه ۱۰۹؛ اصول کافی، کتاب حجت، باب ۱۲۲، حدیث ۳؛ بحار الانوار، جلد ۲۳،
 صفحه ۱۰۶؛ سفينة البحار، جلد ۱، صفحه ۱۳۳ ذیل نقل.

وَاللهُ عَزَّوَجَلَّ»^۱

حدیث من حدیث پدرم می باشد و حدیث پدرم حدیث جدم (علی بن الحسین) و حدیث او حدیث حسین و حدیث حسین حدیث حسن و حدیث حسن حدیث امیر المؤمنین و حدیث امیر المؤمنین علیه السلام حدیث رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم است و حدیث رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم قول و سخن خدای عزوجل می باشد.

و بنابراین سخن معصومین علیهم السلام غیر مستقیم سخن خدای متعال است پس اینان شایستگی تام و تمام دارند که مفسر قرآن باشند. و امام علی علیه السلام فرمود:

«هَذَا كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتُ وَأَنَا الْمُعَبَّرُ عَنْهُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ النَّاطِقِ»^۲

این قرآن کتاب خاموش خدا است و من تعبیر (تفسیر و تبیین) کننده آن هستم پس به کتاب ناطق خدا (مقصود خود حضرت است) تمسک جوئید.

و نیز فرمود:

«هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مَسْتُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا يَدٌ مِنْ تَرْجُمانٍ وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرَّجَالُ»^۳

۱. اصول کافی، کتاب فضل علم، باب ۱۸، حدیث ۱۴.

۲. موسوعه الامام علی بن ابیطالب فی الکتاب و السنه و التاريخ، جلد ۸، صفحه ۲۰۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.

این قرآن خطوطی است که در میان دو جلد پنهان است،
با زبان سخن نمی گوید و به ترجمان نیازمند است و تنها
انسان هایی (خاص) می توانند از آن سخن بگویند.

این کلام می رساند که مقصود از تفسیر کنندگان قرآن خود حضرت و
اهل بیت علیهم السلام می باشند.

و باز فرمود:

«فَجَاءَهُمْ بِتُضْئِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَالنُّورِ الْمُقْتَدَى
بِهِ، فَلَاكِ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَلَنْ يَنْطِقَ، وَلَكِنْ
أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ»

خداوند متعال برای آنان (به وسیله پیامبر اکرم صلی الله
علیه وآله وسلم کتابی را) آورد که تصدیق کننده کتاب های
آسمانی پیشین بود، و نوری که باید به آن اقتدا شود، این
نور همان قرآن است، آن را به سخن آرید، اگر چه هرگز
(با زبان عادی) سخن نمی گوید، اما من علی علیه السلام
شما را از آن آگاهی می دهم.

به هر حال این نمونه ها و نمونه های دیگر گواه بر آنست که اهل بیت
علیهم السلام نیز به مانند پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم شایستگی کامل دارند
که بعد از حضرتش قرآن مجید را برای مردم تفسیر نمایند. زیرا انسان چون
پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم معصومند و آیه ی تطهیر در شأن آنان نازل
شده است که:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا ﴾^۱

جز این نیست که خداوند سبحان اراده فرمود تا هر نوع
ناپاکی را از شما اهل بیت بردارد و شما را به طور کامل
پاک و منزّه گرداند.

۳. مفسرین غیر معصوم

مفسر غیر معصوم باید دارای شرائطی باشد که اهم آنها فهرست وار
عبارتند از:

۱. آشنایی کامل به زبان و ادبیات عرب.
 ۲. شناخت شأن و اسباب نزول.
 ۳. آگاهی از سنت نبوی و اهل بیت علیهم السلام و روایات معتبر.
 ۴. آشنایی به علوم قرآنی.
 ۵. آگاهی به علم منطق و کلام، و نحوه‌ی به کار گیری صحیح آنها.
 ۶. آگاهی و اطلاع از کتب پیشینیان در تفسیر قرآن.
 ۷. آگاهی از سایر علوم اسلامی از قبیل تاریخ، فقه و غیره.
 ۸. اطلاع و آشنایی به سایر علوم انسانی و تجربی در حد متعارف و نیاز.
- دقت: آنچه گفته شد شرائط علمی مفسر قرآن بود ولی تردیدی نیست که
مفسر باید از شرایط معنوی که موجب درک و فهم نیکوتر از مقاصد آیات
قرآنی خواهد بود نیز برخوردار باشد.

یعنی بر مفسر لازم است تا روح خود را از زشتی‌های اخلاقی از قبیل حب دنیا، تعصب، کبر، هوای نفس و... پاک سازد. و متقابلاً روان خویش را به فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت، انصاف، تقوا و... بیاراید. و آن‌گاه منتظر دریافت مژده قرآن باشد که فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده اید اگر تقوای الهی داشته باشید خداوند وسیله جداسازی حق از باطل را به شما عطا می‌فرماید (روشن بینی خاصی به شما عطا می‌کند).

و باز فرمود:

﴿وَأَتَىٰ اللَّهُ الْعِزَّةَ لَكُمْ﴾^۲

تقوای الهی پیشه کنید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد.

تفسیر صحیح و تفسیر به رأی

از بحث قبل نتیجه گرفته شد که مفسرین واقعی قرآن مجید معصومین علیهم السلام هستند. اما تردیدی نیست که تفسیر قرآن به آن بزرگواران ختم نشده، بلکه واقعیت چنین نشان می‌دهد که در هر عصری مفسرانی بوده که بر قرآن مجید تفسیرها نوشته‌اند. اما آنچه مهم است و باید دقیقاً مورد توجه قرار گیرد، آن است که مفسر باید دارای شرائطی خاص باشد تا تفسیرش صحیح و منطقی جلوه کند و اگر کسی بدون داشتن شرائط، به

۱. سوره‌ی مبارکه‌ی انفال، آیه‌ی ۲۹.

۲. سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۲.

تفسیر قرآن مجید بپردازد تفسیرش تفسیر به رأی است. و نتیجه‌ای جز ضلالت و گمراهی برای خودش و دیگران به بار نخواهد آورد. لذا این نوع تفسیر یعنی تفسیر به رأی مردود و از آن نهی شده است، که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

«مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ»^۱

هر کس قرآن را به رأی و نظر خود تفسیر کند پس جایگاه خویش را از آتش درست می‌کند.

و نیز در حدیث قدسی آمده است که خداوند فرمود:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي»^۲

ایمان به من نیاورده است کسی که با رأی و نظر خود کلام من (قرآن) را تفسیر کند

اقسام تفسیر

در ابتدا می‌توان کتب تفسیری را بر دو قسم دانست:

الف) تفسیر تربیتی: در این شیوه، مفسر کار تفسیر قرآن را از ابتدای سوره‌ی «الحمد» شروع می‌کند، و به ترتیب آیات و سوره‌ها را دنبال می‌کند، تا به آخرین آیه‌ی سوره‌ی «الناس» برسد. و بدانیم که اکثر تفاسیر موجود از گذشته تا به حال چه تفسیرهای شیعی و چه از اهل سنت از این نوع تفسیر می‌باشند.

۱. قرآن در اسلام، صفحه‌ی ۵۴.

۲. کلیات احادیث قدسی، صفحه‌ی ۲۵۹.

ب) تفسیر موضوعی: این شیوه عبارت است از آنکه مفسر موضوعی خاص و کلی از قبیل توحید، نبوت، معاد و... یا موضوعی جزئی تر و فرعی تر مانند نماز، حج، جهاد، انفاق و... را انتخاب می کند. و بعد آیاتی که با موضوع مرتبط هستند از لابلای آیات قرآن استخراج می کند و آنها را دسته بندی می نماید و با شرح و تفسیر آیات مقصود خود را پی می گیرد. مانند: تفسیر پیام قرآن اثر آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر منشور جاوید اثر آیت الله سبحانی تبریزی و تفسیر موضوعی قرآن کریم اثر آیت الله جوادی آملی.

روش های تفسیری

هر مفسری در نوشتن تفسیر خود از روش خاصی استفاده می کند و عمده ی روش های تفسیری عبارتند از:

۱. روش تفسیر نقلی یا روایی: در روش نقلی مفسر می کوشد تا به کمک روایات منقول، آیات قرآنی را تفسیر کند. یقیناً وقتی مفسر در تفسیر خود از روایات صحیح استفاده کند تفسیرش از اعتبار خاصی برخوردار خواهد شد. مانند: تفسیر برهان اثر علامه سید هاشم حسینی بحرانی و تفسیر نورالثقلین اثر مفسر بزرگوار ابن جمعه عروسی حویزی.

۲. روش تفسیر اجتهادی (عقلی): در این روش مفسر با استفاده از ادبیه و استدلال، راه خود را دنبال می نماید و به تفسیر آیات مبادرت می ورزد. و هر چند در روش اجتهادی اساس کار مفسر تدبیر و عقل است و روایات از ارکان آن نیست اما در عین حال مفسر می کوشد تا پای بندی خود را نسبت

به احادیث معتبر حفظ کند.

انواع تفسیر اجتهادی

تفاسیر اجتهادی دارای انواعی است چون مفسرین اجتهادی معمولاً با تکیه بر تخصص علمی خود تفسیر اجتهادی خویش را دنبال می‌کنند و همین امر موجب گشته تا هر تفسیری رنگ و صبغه خاصی داشته باشد و در این میدان برخی از مفسرین به هنگام تفسیر، بعد ادبی و فصاحت و بلاغت قرآن را مد نظر قرار داده اند که تفسیر آنان سبک ادبی به خود گرفته است و برخی بعد فقهی قرآن، و بعضی بعد تاریخی و یا اجتماعی قرآن را مورد توجه قرار داده که در این صورت تفسیر آنان جنبه فقهی و اجتماعی پیدا کرده است. و مفسرینی که با دیدگاه عرفانی، فلسفی، کلامی، تربیتی، علمی و... قرآن را تفسیر نموده اند، تفسیر آنان رنگ عرفانی، فلسفی، کلامی، تربیتی، علمی و... دارد و در این میان تعدادی از مفسرین با دیدی جامع و همه جانبه به سراغ تفسیر قرآن رفته‌اند که در نتیجه تفسیر آنها، تفسیر جامع الاطراف قلمداد می‌شود. مانند: تفسیر مجمع البیان اثر مفسر بزرگوار شیخ طبرسی، تفسیر نمونه اثر آیت الله مکارم شیرازی، تفسیر تسنیم اثر آیت الله جوادی آملی و تفسیر المیزان اثر علامه طباطبایی.

۳. روش تفسیر قرآن با قرآن

چون تفسیر آیه‌ای از قرآن مجید با تفکر و تأمل و تدبر علمی و با استمداد از مجموع آیات دیگر که به نحوی به آیه، مربوط می‌شوند انجام

پذیرد، «تفسیر قرآن با قرآن» گویند. در این روش از روایات معتبر نیز استفاده می‌گردد. و از ویژگی‌های قرآن کریم این می‌باشد که برخی از آیاتش تفسیر کننده‌ی برخی از آیات دیگر می‌شود و یا از آنها رفع ابهام می‌کند.

به نوشته علامه طباطبایی روش تفسیر قرآن با قرآن، همان روشی است که آورنده قرآن و گیرنده وحی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و اله وسلم و جانشینان برحق وی ائمه اطهار علیهم السلام روی آن تکیه داشته و آن را تعلیم فرموده اند: چنانکه در حدیث معروف آمده است:

«الْقُرْآنُ تَفْسِيرُ بَعْضُهُ بَعْضًا»

بعضی از آیات بعضی دیگر را تفسیر می‌کند.^۱

-حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: این کتاب خدا است که با آن می‌توانید حقایق را ببینید و با آن سخن گوئید و به وسیله آن بشنوید، بعضی از آن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی از آن گواه برخی دیگر است.^۲

مثالی ساده: در اولین آیه‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی قدر می‌خوانیم که:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾

ما آن را (قرآن) در شب قدر نازل کردیم.

بقیه‌ی آیات سوره قدر عظمت شب قدر را بازگو می‌کنند ولی در این

۱. ر.ک: قرآن در اسلام، صفحه‌ی ۵۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۳.

سوره آیه‌ای وجود ندارد تا زمان شب قدر را دقیقاً معین کند اما با مراجعه به آیه‌ی ۱۸۵ سوره‌ی بقره که می‌فرماید:

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾

ماه رمضان، ماهی است که در آن قرآن نازل شده است.

مسلم می‌شود که شب قدر در ماه مبارک رمضان می‌باشد زیرا در آیه‌ی اول سوره‌ی قدر، نزول قرآن را در شب قدر و در آیه‌ی ۱۸۵ سوره‌ی بقره، نزول قرآن را در ماه رمضان بیان کرده است که از ارتباط این دو آیه نتیجه می‌شود که شب قدر در ماه مبارک رمضان می‌باشد و بدین ترتیب آیه‌ی سوره‌ی بقره حداقل از نظر تعیین شب قدر مفسر آیه‌ی سوره‌ی قدر خواهد بود.

مثالی دیگر: در سوره‌ی مبارکه‌ی حمد می‌خوانیم:

﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ﴾^۱

خداوندا ما را به راه راست هدایت فرما. راه کسانی که به آنها نعمت داده‌ای.

اما در این سوره از نعمت داده شدگان نامی برده نمی‌شود ولی چون به آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء مراجعه کنیم می‌بینیم که چهار گروه، از دریافت کنندگان نعمت می‌باشند؛ که عبارتند از:

انبیاء، صدیقان، شهداء و صالحان؛ که فرمود:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ
عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ
الصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند (در روز رستاخیز)
همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را به
آنان عطا کرده است؛ از پیامبران و راستگویان و شهیدان
و نیکوکاران؛ و آنان رفیقان خوبی هستند.

بدین ترتیب این آیهی شریفه حداقل از نظر بیانِ مصداقِ نعمت داده شدگان
از آیهی مبارکهی سورهی حمد رفع ابهام می نماید.

علامه طباطبایی و تفسیر قرآن با قرآن در عصر حاضر روش ارزشمند تفسیر
قرآن با قرآن که میراث گران بهای پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وآله وسلم و
ائمه طاهرين عليهم السلام است به وسیله استاد علامه طباطبائی قدس سره در
تفسیر ذی قیمت و بی نظیر «المیزان» اعمال شده و به قول صاحب نظران،
معظم له از عهده این کار به خوبی برآمده است چنانکه اولین مترجم
«المیزان»، مفسر بزرگوار آیت الله مکارم شیرازی می نویسد: بعضی هم که
قول داده اند اساس کار خود را بر تفسیر قرآن به قرآن بنا کنند بار در اثر
عللی نتوانسته اند به قول خود وفا کنند. ولی تفسیر «المیزان» که از نظر
خوانندگان محترم می گذرد تفسیری است که براساس این روش عالی
(تفسیر قرآن به قرآن) بنا شده و حقاً متضمن یک سلسله حقایق است که

تاکنون بر ما مخفی بوده است.^۱

و یا می‌خوانیم که «المیزان» تفسیری است که دارای جنبه‌های مختلف علمی، فنی، فلسفی، ادبی، تاریخی، روایی، اجتماعی و حدیثی می‌باشد. لیکن سه جهت در این تفسیر گران‌قدر درخشندگی و برجستگی خاص داشته و سایر جهات و ابعاد آن را تحت‌الشعاع قرار داده است.

از جمله تفسیر قرآن به قرآن و این تفسیر گام بزرگی در هر چه بهتر فهمیدن قرآن مجید و اثبات یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن است.^۲

و باز می‌خوانیم که اندیشمند و قرآن شناس و متفکر بزرگ اسلامی آیت‌الله علامه شهید مطهری درباره‌ی تفسیر «المیزان» می‌گوید:

بزرگترین تفسیری است که از صدر اسلام تاکنون بر قرآن کریم نوشته شده است. و یا می‌فرماید: تفسیر «المیزان» علامه طباطبائی را، مردم ما ۶۰ و یا ۱۰۰ سال دیگر می‌فهمند که چیست؟^۳

به هر حال استاد علامه طباطبائی رضوان الله علیه پس از نقد روش‌هایی نقلی و اجتهادی می‌نویسد: تفسیر واقعی قرآن، تفسیری است که از تدبر در آیات و استمداد از آیات دیگر که به نحوی در تشریح و فهم آیه‌ای که تفسیرش مورد نظر است دخالت دارند به دست می‌آید. و می‌افزاید که این روشی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت عصمت و

۱. ترجمه‌ی تفسیر المیزان، جلد ۱، مقدمه مترجم، صفحه‌ی ب.

۲. یادنامه‌ی مفسر کبیر استاد علامه طباطبائی، صفحه‌ی ۲۱۵.

۳. همان، صفحه‌ی ۲۱۲.

طهارت علیهم السلام در تعلیمات خود به آن اشاره فرموده‌اند. چنانکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«إِنَّمَا نَزَلَ لِيُصَدِّقَ بَعْضُهُ بَعْضاً»^۱

یقیناً خداوند قرآن را نازل فرمود تا برخی آیات برخی دیگر را تصدیق نماید.

و حضرت علی علیه السلام فرمود:

«وَيَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ»^۲

بعضی از آن (آیات) از بعض دیگر سخن می‌گوید و برخی گواه برخی دیگر است.

و علامه اضافه می‌کنند که وظیفه مفسر است تا پس از تدبر در آیه مورد تفسیر و استمداد از آیات مربوط به آن از احادیث معتبری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام رسیده طبق دستوری که از کتاب و سنت استفاده می‌شود به تفسیر قرآن بپردازد.^۳

برای آگاهی افزونتر از انواع تفاسیر و روش‌های تفسیری می‌توان به مرجع زیر مراجعه نمود.^۴

۱. قرآن در اسلام، صفحه‌ی ۵۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۳.

۳. قرآن در اسلام، صفحه‌ی ۵۶.

۴. ر.ک: تفسیر سوره‌ی الضحی، صفحه ۲۶ تا ۴۵، که در آن قریب ۱۵۰ تفسیر به ترتیب قرن و با مشخصات کامل معرفی شده است.

www.ketab.ir
ویژگی ها و شناخت کلی

از سوره های مبارکه می انشراح

الف: مکی یا مدنی

به احتمال قوی سوره‌ی «انشراح» که به نام‌های: الشرح، مُشَرِّح و اَلَمْ نُشَرِّحْ نیز خوانده می‌شود، دوازدهمین سوره‌ای است که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده است بنابراین سوره مکی می‌باشد که قبل از آن سوره‌ی «الضحی» و بعد از آن سوره‌ی «العصر» نازل گشته‌اند، هرچند برخی از مفسرین احتمال مدنی بودن آن را نیز می‌دهند که می‌خوانیم: این سوره هم می‌تواند مکی باشد و هم مدنی، ولی سیاق آیاتش به مدنی بودن سازگارتر است.^۱

و ردیف سوره‌ی «انشراح» در مصحف‌های موجود ردیف نود و چهار، و قبل از سوره‌ی «تین» می‌باشد.

و بدین جهت سوره را «انشراح» گویند که بیانگر نصیحت شرح صدری است که خدای منان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم عنایت کرده است.

ب: تعداد آیات

مرحوم شیخ طوسی و طبرسی فرموده‌اند که سوره‌ی انشراح بلا خلاف هشت آیه دارد^۲ که مشتمل بر بیست و هفت کلمه و یکصد و سه حرف خواهد بود.^۳

۱. العیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰، ذیل سوره، صفحه‌ی ۲۸۶؛ ترجمه‌ی آن جلد ۴۰، صفحه‌ی ۲۸۶.

۲. الثبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۰، صفحه‌ی ۳۷۱؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۹-۱۰، صفحه‌ی ۵۰۳.

۳. ویژگی‌هایی از قرآن مجید، صفحه‌ی ۳۰.

ابی بن کعب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، روایت نموده که هر کس این سوره را بخواند پاداش کسی را دارد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را غمگین دیده و اندوه را از قلب او زدوده است.^۱

توجه به گونه‌ای که در تفسیر سوره‌ی «الضحی» نگاشته‌ایم فضیلت‌های فراوانی که برای خواندن سوره‌های قرآنی در کتب تفاسیر آمده است، آن زمان شامل حال قاری قرآن می‌شود که به قرائت لفظی اکتفا نکند، بلکه مشروط بر آن است که مضامین آیات سوره را درک کند. او امرش را از روی اخلاص به نحو نیکو به کار بندد و نواهیش را ترک گوید و آن‌گاه منتظر لطف و عنایت الهی باشد.

علامه حسن زاده آملی می‌نویسد:

شبی در قم در معیت حضرت استاد علامه آقای حاج سید محمد حسین طباطبائی (روحی فداء) به سوی منزل آن جناب که بیت المعمور این کمترین بوده است می‌رفتیم، در اثنای راه به من فرمود قبل از آن که به توجه بنشینم «سوره مبارکه والضحی و الم نشرح» را بخوان که بر انتقال و صفای باطن و رؤیای صالحه در حال توجه بسیار مفید است.^۲

د: ارتباط سوره‌ی مبارکه‌ی «انشراح» با سوره‌ی قبل «الضحی»

به گونه‌ای که گفته شد این سوره بعد از سوره‌ی «الضحی» تارل شده است و محتوای آن نیز همین مطلب را تأیید می‌کند. چرا که در این سوره

۱. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۹-۱۰، صفحه‌ی ۵۰۳.

۲. هزار و یک کلمه، جلد پنجم، صفحه ۲۶۵.

باز قسمتی از مواهب الهی بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بر شمرده شده است که در واقع سه نوع موهبت بزرگ در سوره‌ی «الضحی» آمده بود و سه نوع موهبت بزرگ در سوره‌ی «انشراح» آمده است. با این تفاوت که مواهب گذشته بعضی ظاهری و مادی و بعضی معنوی بود، اما مواهب سه‌گانه این سوره همه جنبه‌ی معنوی دارد.

هـ دو سوره به منزله‌ی یک سوره در نماز

چنانکه قبلاً هم در تفسیر سوره‌ی «الضحی» اشاره کردیم^۱ طبق روایات مأثور از اهل البیت علیهم السلام این دو سوره یعنی سوره‌ی الضحی و انشراح به منزله یک سوره شمرده شده است. و لذا فقهای امامیه فتوا می‌دهند که در قرائت نماز برای این که یک سوره کامل خوانده شود هر دو سوره باید به وسیله نمازگزار در نماز خوانده شود.^۲ و همین حکم فقهی درباره‌ی سوره‌ی «فیل» و «قریش» جاری است.

۱. تفسیر سوره‌ی الضحی، نمایان‌گر گوشمای از شخصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم، صفحه‌ی ۶۰ و ۶۱.

۲. من لا یخضره الفقیه، جلد ۱، صفحه‌ی ۲۰۰؛ الروضة البهیة فی شرح اللعة الدمشقیة، جلد ۱، صفحه‌ی ۷۸؛ جامع عباسی (اولین رساله‌ی عملیه به زبان فارسی)، صفحه‌ی ۱۳۹؛ عروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی القرآن، مسأله ۹؛ تحریر الوسیله، جلد ۱، صفحه‌ی ۱۶۵.